پیشتاز ۷

ارگان اتحاد چپ دمکراتیک ایران

نشر در داخل کشور

شماره ۷ - ۱۵ مهر ۱۳۷۵

بیانیه اتحاد چپ دمکراتیک ایران
پیرامون لایحه تروریستی در افغانستان

هموطنان عزیز:

نیروهای مترقی و آزادیخواه میهن:

بدنبال گسترش جنگ داخلی در افغانستان، با حمایت امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه، گروه مزدور و بسا فوق ارتجاعی "طالبان" در ۶ مهر ۱۳۷۵، بر کابل مسلط شد و در این اقدام جنایتکارانه خود، دکتر محمد نجیب الله آخرین رئیس جمهور و حکومت دمکراتیک و وطنی افغانستان و رهبر برجسته مهین پرست ترین و آزادیخواه ترین افغانستان را به قتل رساند و ارتجاعی ترین قوانین را بر مردم افغانستان تحمیل نمود.

اتحاد دوم پلید امپریالیسم جهانی، کشورهای مرتجع منطقه و واپسگرایان مذهبی داخلی افغانستان - علیرغم جنایتکارانه گروههای "مجاهدان افغانی" در گسترش جنگ داخلی، بمباران مناطق مسکونی، کشتار وحشیانه مخالفان، و بر تحمیل عقب ماندگی و فقر و رنج فزون وصف ناپذیر به مردم افغانستان - وجود ساختار عقب مانده قبیله ای و عشیره ای متکی به واپس مانده ترین عقاید و با ابتدایی ترین سطح فرهنگ و سواد عمومی - با شعارهای منفی تاخیر از اعمال نظامی چندین ساله افغانستان نیمه اتحاد جماهیر شوروی - در حالیکه آنکار حکومتهای ایران و پاکستان کمتر یک درنگی برای گسترش حیطه نفوذ خود از طریق یاری رساندن به مزدوران صنع خود در افغانستان بوده و هستند - ۰۰۰ موجب شده اند تا جمعه عظیم بدبختی برای اکثریت مردم ستمکش افغانستان بوجود آید. متاسفانه اشتباهات نیروهای مترقی افغانستان در ادارهٔ حکومت و برخورد با مردم و نیز تفرقه و پراکندگی در حکومت نیروهای مترقی و چپ افغانستان در تدبیرهایی و صحت خاصه ها رموثر بوده است.

دکتر محمد نجیب الله در چهارم سه ۱۹۸۶ با یک تغییر بدون خونریزی به قدرت رسید. او در بحران ایجاد شده و تحت شرایط تاریخی کشور خود، با برخورد مترقی، اشتباهات خود را بی پایه تفکر دمکراتیک و در جهت غلبه بر بحران عمومی، اعلام آتش بس، تامین آزادی ها و حقوق اساسی مردم در جامعه، اعلام عفو عمومی و سراسری، ایجاد شرایط برای مشارکت کلیه افشار مردم در تعیین سرنوشت خویش، نمایندگی عادلانه همه مردم در ساختار سیاسی کشور، تشکیل دولت اتحاد ملی با حضور نیروهای عمده سیاسی کشور، حفظ و ترویج سنتهای ملی و فرهنگی و تاریخی و اعلام دین اسلام بعنوان دین رسمی افغانستان، و برای ایجاد افغانستان آزاد، آباد، مستقل و مردمی ۰۰۰ پی ریخت.

او در زمستان ۱۹۸۷ با اعلام آتش بس یکجانبه، خواهان انجام مذاکرات صلح با گروههای "مجاهد" مخالف حکومت شد و دست بسته هدف گان را در پاسخ گفت به مهمانان بار گذاشت. از ۱۹۸۸ خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان آغاز شد و نهایتا در سال ۱۹۸۹ کلیه این نیروها از افغانستان خارج شدند. اما گروههای "مجاهد" که تنها در فکر قدرت بیولیتیک ارباب خارجی بودند، هیچگاه جواب مثبتی به خواستهای دکتر نجیب ندادند و نیز هیچگاه روند کمکهای نظامی و مالی امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه به "مجاهدین افغانی" قطع نشد. با وجود عوامل نامساعد داخلی و بین المللی، دکتر نجیب الله نتوانست در اجرای برنامه خود موفق شود و از نیروهای بازمانده بخشیدن به جنگ داخلی، از مقام خود استعفا داد و به دفتر سازمان ملل متحد در کابل که مسئولیت حفظ جان او را بعهده گرفته بود، منتقل شد. حکومت افغانستان قبیله دست گروههای جنایتکاری افتاد که دولت آمریکا با صرف میلیون ها دلار، طی سالیان طولانی آنها را "مجاهدان راه آزادی" و "جهادیان مترقی" کرده بود. در حکومت این گروههای "مجاهد" سرکوب مردم آزاد اندیش و کشتار وحشیانه مخالفان، با سیمیت افتادن و جنگ داخلی با گستردگی هر چه بیشتر و کشتار و ویرانی عظیم تروریستی هائی بیشتر گسترش یافت. مردم ستمدیده افغانستان، بویژه از بیش به ماهیت پلید گروههای جنایتکار "مجاهد" وقف سلطه و حمایت حکومت آشتی ملی و دکتر نجیب الله آگاه می شدند. گروه مافوق ارتجاعی "طالبان" که از دیرسال پیش با حمایت مالی و نظامی گسترده دولتهای آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی و سرپایه ارتجاعی ترین تفکرات مذهبی تشکیل شده بود، با اتکاء به سلاح های مدرن توانست مناطق وسیعی از افغانستان را تصرف کند و با اعلام تشکیل حکومت جدیدی را اعلام کرد و فرمان های ضد حقوق بشر و ضد انسانی به مردم متعرض و مدرن را بعنوان قوانین "شریعت اسلام" حاکم بر جامعه صادر کرد. آنگاه با بعض مقررات بین المللی به دفتر سازمان ملل متحد در کابل یورش برده، دکتر نجیب و برادر رئیس ارباب را از آنجا بیرون کشیده و آنها را به ملاعام بستند و در جلو چشم ها بر زمین کشاندند و سپس آنها را در میدانی در شهر کابل به دار آویختند و اجساد آنها را تا چند روز سرپوشیده ای دار که تا چند تا سران مدافع حقوق و آزادیخواهان افغانستان در معرض عبرت باشد.

هموطنان مبارز:

دولت آمریکا که خود را مدافع حقوق بشر و مخالف بنیادگرائی های ارتجاعی معرفی می کند و به بهانه دفاع از "حقوق ملتها" و "پاسداری از صلح و آزادی" ولی در واقع برای دفاع از منافع سرمایه داری راست جهانی به سرکوب آنگاه ملتها می پردازد، با حمایت آشکار از گروه بنیادگرای مذهبی طالبان (که در کشور ما حمایت پلید و در مبانی تفکر انسانی و ضد آزادی و زن ستیز و خاص و ممتاز است) دست خود را بیش از پیش رو کرده است تا که مسئله حقوق بشر تابع معادلات و معاملات سیاسی شود و عملکرد سازمانهای جهانی مدافع حقوق بشر و حتی سازمان ملل متحد تابع سیاستهای خاص حکومت توسعه طلب آمریکا شود و ناجمعه ای در جرای و بنگ در افغانستان رخ دهد. حکومت جمهوری اسلامی ایران که بیش از ۱۶ سال خود را در مسئله افغانستان درگیر کرد و با تلف کردن میلیون ها دلار از ثروت مردم و امکانات جامعه در حمایت مالی و تبلیغی از گروههای مرتجع مورد نظر خود، در تشدید جنگ داخلی و بحران عمومی در کشور افغانستان نقش قاطع و بسا مهم داشته است، با تسلط گروه طالبان "(که ایدئولوژی مذهبی متعصبانه را نمایندگی می کند) بر کابل، نیروی قدرت را در افغانستان یافت. حکومت ایران با اتخاذ سیاستهای [illegible]

ناصر خویانه وضع فزاینده در منطقه، کشور را در یک وضعیت خطرناک قرار داده است. اینک با وجود بحران کردستان عراق و دخالت ایران در آن، پیمان نظامی استراتژیک ترکیه و اسرائیل، مداخله‌های کشور آدربایجان برای جدایی استانهای آنها بجدا از ایران، تمرین و اعمال‌های ایالات متحده عربی نسبت به جزیره متعلق به ایران در خلیج فارس، تقابل میان حزبین و ایران، تسلط گروه طالبان بر کابل و ... کشور ایران در یک محاصره جدی و خطرناک قرار گرفته است و احتمالا برنامه جدی برای تجزیه و از هم گسستن تمامیت ارضی کشور و ایجاد جنگ داخلی در کشور در حال تدارک است. این برنامه نه بر علیه حکومت موقت انقلابی ایران بلکه بر علیه منافع ملی، مصالح میهن، تمامیت ارضی و وحدت کشور و منافع مردم می‌باشد و ولی فرنامهای این برنامه، نیروهای ایرانیون مستقل و دمکراتیک میهن هستند و از این رو، اتحاد چپ دمکراتیک ایران، وظیفه خود می‌داند تا مبارزه خود بر علیه سیاستهای ماجراجویانه و مداخله‌جویانه حکومت جمهوری اسلامی و اقدامات تجاوزگرانه و توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا را گسترش دهد. در همین حال، اتحاد چپ دمکراتیک ایران، تاکید می‌کند که حوادث اخیر استان می‌تواند برای همه نیروهای مترقی و دمکراتیک ایران، درس بزرگی باشد. واقعیت آن است که تکیه بر نیروهای نظامی غیرقابل تحمل و تصمیم‌گیری سیاسی بر پایه احساسات کورکورانه و تعصبی گرایی صرف، بی توجهی به مقدرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه و روحیات و آمادگی و خواستهای مردم، نادیده گرفتن موقعیت و توان واقعی نیروهای ایرانیون مترقی و دمکراتیک مردم، بی توجهی به وضعیت و توان حکومت و چنان‌ها و عوامل و نیروهای مسلح و غیرمسلح گوناگون و استعمار آن، عدم تشخیص درست لحظات حساس و تنها عوامل و دوران رکود و امثالهم، عدم علمه بر نظر خود و پیرا کندگی و نشست در مخوف نیروهای عمده آزادیخواه، عدم اعتماد به سازمانی و فرهنگی جدی برای سوق‌دادن نیروهای مترقی و دمکراتیک مردم، بی توجهی به اعتراضات و جنبشهای سیاسی و صنفی مردم و کسب مقبولیت و اعتبار نزد آنها و ... می‌تواند زمینه‌ای همانند فاجعه استان را به کشور و مردم میهن، نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور ما تحمیل کند.

از این رو، ما اعتقاد داریم که تنها می‌توان و باید برای کنار آمدن با مسائل و مشکلات (بخصوص تکیه بر اقدامات صلح‌آمیز و جنگ نظامی) و یا ادعا به اقدامات واقعی آزادی و دمکراتیک و از سرگیری استبدادی منجر به حکومت دمکراتیک و مترقی و غیرمذهبی و مبارزه سیاسی توده‌ای را در پیوند با توده‌های مردم گسترش داد و بدون قید و شرط آزادی‌های اساسی و حقوق دمکراتیک در جامعه به عنوان شرط اصلی تحقق این تحول اساسی بکار گرفت. و در این مبارزه به هیچ یک از دولتهای خارجی استعمارگر متکی نشد و خود را از منافع ملی و تمامیت ارضی کشور تضمین و پاسداری کرد.

دوستان و همکاران:

با وجود تمرین و تمرکز مجدد سیاست عمل سازمانی که قتل دکتر شجاع‌الدین و یاران نیز از اعضای سازمانیت انقلابیون گروههای و پیگرد و جدایی و مردم و توده‌های مترقی و یاران از جمله قربانیان استبداد دینی و گروه دیگری از این جهان برآورده‌اند. همادگران با قتل دکتر شجاع‌الدین خواستند تا اندیشه‌ها را بکشند. گرچه شجاع کشته شد اما اندیشه‌های پاک و آرمان والا و انسانی او همواره زنده است. آری، اندیشه را نمی‌توان کشت. علیرغم این جنایت کشتارها و عملیاتها که در اقدام مختلف جوان علیه نیروهای چپ و اعمال می‌شود، نیروی چپ و اندیشه خشونت‌زدایی است و رشد و نمو و استقلال می‌یابد و هر روز سرتاسر تاریخ رزم و صحنه مردمی آن افزوده می‌شود و بخش اعظم از مردم به حقانیت و درستی آن پی می‌برند و به سمت آن جلب می‌شوند. نیروی چپ بالنده است و رشد می‌کند. دکتر محمد شجاع‌الدین از جمله چهره‌های بزرگ جنبش چپ ایران سوسیالیستی و از سمبل‌های برجسته جنبش آزادی و عدالت مترقی صلح دوست جهان است. اتحاد چپ دمکراتیک ایران، وظیفه خود می‌داند تا با نام و یاد و خاطره این شهید بزرگ را گرامی داشته و عدالت و صلح پاسداری کند.

شاهرخ جاوید — سابق گروه چپ — راهبر پیروز باد

اتحاد چپ دمکراتیک ایران — بهمن ۱۳۷۵

لیست ترور

در اواسط ۱۳۶۰ در آلمان، عده‌ای با عنوان به آیت‌الله خاتری سخنرانی کنار سالنهای ولایت فقیه در خارج از کشور است و قلمی زده و چیزی از دوستداران وی در ایران معرفی می‌کنند و از راه‌های ملاقات می‌کنند. آقای خاتری به آنها وقت ملاقاتی می‌دهد ولی از آنها که به این عده با عنوان شاه می‌کند، اما به پلیس خبر داده و از آنها کمک می‌گیرد. عده‌ای از مأموران پلیس، روزها از وقت ملاقات به منزل آقای خاتری می‌روند و عده‌ای دیگر در پلیس منزل وی مراقب اوضاع می‌پردازند. در وقت تعیین عده آن عده با عنوان می‌آیند و دو نفر از آنها به منزل آقای خاتری می‌روند و سه نفر دیگر در ماشین جلوی منزل می‌ایستند. مأموران پلیس به هنگام ورود دو نفر به منزل آقای خاتری آنها را بازداشت و از کمک آنها سلاح با حداقل کن و نیروهای قوی بزرگی پیدا می‌کنند. سه نفر دیگر که در ماشین بودند و با گفت‌وگو زمان معینی از محل فرار می‌کنند. اما مورد تعقیب مأموران پلیس مراقب منزل قرار می‌گیرند. پلیس این سه نفر را نیز در محل سکونتشان دستگیر می‌کند. به این ترتیب نفر ایرانی به اتهام ترور آقای خاتری دستگیر می‌شوند و آنها را از وابستگان و عوامل حکومت جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کنند. از منزل آنها اسنادی بدست می‌آید که نشان دهنده آن بوده است که این افراد از ترورکنندگان آقای صادق خرقانی و یا ایشان و نیز آقای کاظمی رجوی بوده‌اند. همچنین از منزل آنها عددی بدست می‌آید که یک لیست ترور، لیستی از ۴۶ نفر از افراد مخالف حکومت جمهوری اسلامی ایران که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و پس از ترور می‌شوند. در زیر نام‌های مندرج در این لیست به ترتیب حروف الفبا ارائه می‌شود:

اشتیانی — افشار — بابک امیرخسروی — اسرافیلیان یحیی خوب — منصور بهبهانی راده — علی بابائی — بصیران — رضا پهلوی — صفا خاتری — مهدی خاتری — علی اصغر حاج سیدجوادی — حکمت — حنیفی — حاج حمزه — علی خاوری — هادی خرسندی — مهدی خان بابا تهرانی — اسماعیل خوئی — تیمور خاکسار — پرویز ناصحی — داوری — محمود رفیع — صالح رجوی — کاظم رویا — محسن رضائی — محمدمحمدالحقشمی — حسن شریعتمداری — علی شریعتی — ناصر شاهسی — علامه راده — سیدمهدی ارحنک — مشیر چهرگشی — جلال گنجه‌ای — عبدالکریم لاهیجی — مدنی — مقدم — عباس مقدم — هادی نهاوندی — حاج راده — هادی راهی — ممکن — مشین دفتری — فرخ نگهدار — حسن نزیه — نادر نادرپور — هزارخانی.

بحث انتقال قدرت به شورای رهبری

در سال تشدید جنگ قدرت درون حکومت، گسترش موج نارضایتی از عملکرد ولی فقیه و متحدان در جامعه حکومت (جناح راست افراطی و عناصر تندروی حاکمیت) از یک طرف و در سطح سنتوانین حکومت و بحران اقتصادی عمومی در جامعه و برای روشن ساختن مشکلات خارجی و داخلی که موجودیت مجموعه حکومت روحانیون را تهدید می‌کند موجب عدم پشتیبانی مرجعیت و ولایت فقیهی و متحدان از سوی بسیاری از مراجع تقلید، علما و عناصر قدرتمند حوزه‌های علمیه و عده‌ای از عناصر کهنه‌سال و قدرتمند و کلیدی مذهبی و سیاسی حکومت در مورد ایجاد «شورای رهبری» و انتقال قدرت ولایت فقیه از نسل ولی فقیه و متحدان به شورای رهبری، بحث‌های جدی و اساسی در جریان است. همچنین عده‌ای از کارگزاران حکومت و ... [illegible]

www.iran-archive.com